

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صفحات ۷۵۳ تا ۷۸۳

بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های

چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو؛ با تأکید بر رفتار با اسرای جنگی

سید فضل‌اله موسوی*

استاد گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

امیر فامیل زوار جلالی

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

(تلفن: ۰۹۱۰۶۷۹۸۹۸۱، Email: azjalali@alumni.ut.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹)

چکیده

یکی از مسائلی که در اغلب جنگ‌ها رخ می‌دهد، به‌اسارت درآوردن نیروهای طرف مقابل است. حقوق بشردوستانه به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل معاصر اسلامی از دیرباز به بحث رفتار با اسرا پرداخته است. بررسی تطبیقی حاضر در مجموعه مقررات و حقوق جنگ نشان می‌دهد که کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹م ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷م به آن‌ها با قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی دارای همسویی بالایی است. این موضوع، مبتنی بر این فرض است که قواعد و مقررات مربوط به رفتار با اسرای جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی هم وجود دارد. دقت در مجموعه مقررات و حقوق جنگ معاصر نشان‌دهنده این است که عمق رفتار با اسرای جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی، وسیع‌تر، عمومی‌تر و بشردوستانه‌تر از آن چیزی است که حقوق بین‌الملل معاصر به آن دست یافته است.

واژگان کلیدی

اسیران جنگی، حقوق بشردوستانه اسلامی، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، درگیری‌های مسلحانه.

مقدمه

گرفتن اسیر به عنوان غنیمت جنگی از زمان‌های قدیم در جنگ‌ها و درگیری‌ها معمول بوده و رفتاری هم که با اسرا صورت می‌گرفت با توجه به مکاتب و مذاهب مختلف، تفاوت داشته است. با اسیر کردن نیروهای طرف مقابل، نه تنها از شرکت آن‌ها در جنگ جلوگیری و موجب تضعیف قوای نظامی دشمن می‌شود، بلکه با بازجویی از اسیران می‌توان از امکانات و برنامه‌های دشمن اطلاعات زیادی به دست آورد. در بیشتر جنگ‌ها طرفین سعی دارند بر تعداد اسرا بیفزایند، زیرا این امر یک برگ برنده در مذاکرات سیاسی طرفین در آینده شمرده می‌شود. اما آنچه همواره به عنوان یک دغدغه مطرح بوده، رفتار انسانی با اسرا و نگهداری و محافظت از آنان در برابر خشونت‌ها است.

تاریخ گویای این واقعیت است که رفتار یهودیان و مخصوصاً رفتار مسیحیان با اسرای جنگی در جنگ‌های صلیبی، رفتاری همراه با ایذا و شکنجه بوده است و حتی در بسیاری از موارد در عربستان پیش از اسلام، اسرا را از دم تیغ می‌گذراندند. گروسیوس هم نظر جالبی درباره اسرا دارد: «کسی که در جنگ اسیر می‌شود حق فرار ندارد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۴ و ۱۷۷) و این نشان‌دهنده رواج رفتار غیرانسانی در آن دوران بود. اما در اندیشه اسلامی، اسارت جنگی یک اقدام سرکوب‌کننده نیست، بلکه اقدامی احتیاطی و بازدارنده تلقی می‌شود که درباره دشمنی که سلاح خود را بر زمین گذاشته است، اتخاذ می‌شود (همان، ص ۱۶۲). اسیر کردن دشمن هنگام جنگ، مبنای مشروعیت شرعی و حقوقی دارد و اسلام بر این مشروعیت تأکید می‌ورزد. تاریخ اسلام آکنده از مواردی است که بیانگر رفتار پسندیده و همراه با عطف پیامبر (ص) در قبال اسیران است که امروزه حقوق بین‌الملل نیز بر آن حکم می‌کند.

نقطه آغاز حقوق بشردوستانه بین‌المللی (به صورت سلسله اصول و مقررات انسانی که در ایام جنگ مورد توجه دولت‌ها بوده و از لحاظ حقوقی، جنبه قانونی و عملی پیدا کرده است) سابقه چندانی ندارد و به نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد. در میانه قرن نوزدهم آشکار بود که تعداد معینی از اصول برای رفتار با زندانیان جنگی در حال به رسمیت شناخته شدن است، اما این اصول در جنگ داخلی آمریکا (جنگ انفصال) با آنکه خیلی به آن تمایل نشان داده می‌شد، رعایت نگردید. در نیمه دوم همین قرن کوشش‌های بسیاری شد تا وضع سربازان مجروح و زندانیان جنگی بیش از پیش بهبود یابد. در سال ۱۸۷۴م پس از تشکیل کنفرانسی در بروکسل در خصوص رفتار با اسیران جنگی اعلامیه‌ای صادر شد، ولی این اعلامیه به تصویب نرسید. اما در ادامه، کنفرانس‌های بین‌المللی دیگری در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷م در لاهه تشکیل شد که در این کنفرانس‌ها مقرراتی در باب رفتار با زندانیان

جنگی تنظیم، و در حقوق بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شد. وقوع جنگ جهانی اول و ناکارآمد بودن این مقررات در این جنگ، موجب شد تا نمایندگان ملل جهان در ژنو برای ایجاد کنوانسیون ۱۹۲۹م گرد هم آیند. در نهایت کنوانسیون ۱۹۲۹م ژنو پیش از وقوع جنگ جهانی دوم از سوی فرانسه، آلمان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر تصویب شد. اما با وجود آن، در طی جنگ جهانی دوم نیز مقررات یادشده کارایی خاصی از خود نشان نداد و میلیون‌ها انسان تحت شرایط گوناگونی به اسارت درآمده، رفتاری غیرانسانی را تجربه کردند (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). پس از پایان جنگ جهانی دوم، کنوانسیون ۱۹۲۹م ژنو اصلاح و در کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹م درج گردید. کنوانسیون اخیر یک بار دیگر این مفهوم پیش‌تر تصریح شده را تدوین نمود که زندانیان جنگی باید از مشارکت مجدد در جنگ منع شوند و با آنان بدون در نظر گرفتن نوع تابعیت یا هویت قانونی، از روی انسانیت رفتار شود. همچنین کنوانسیون یادشده، مفهوم زندانیان جنگی را گسترش داد و آن را نه تنها شامل اعضای نیروهای مسلح دانست که به دست قوای دشمن افتاده‌اند، بلکه این مفهوم را به جنگجویان غیرنظامی، نیروهای داوطلب، نیروهای غیرمنظم و اعضای نهضت‌های پایداری و اشخاصی که نیروهای مسلح را همراهی می‌کنند، توسعه داد.

در مقاله حاضر با در نظر گرفتن این فرض که قواعد و مقررات در خصوص رفتار با اسرای جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی وجود دارد، سعی بر آن است به بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، از رهگذر روش‌های توصیفی، کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای پردازیم و در نهایت به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

میان حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در رفتار با اسرای جنگی چه میزان همسویی وجود دارد؟ و به‌عنوان پرسش فرعی، آیا می‌توان گفت که عمده قواعد و مقررات حمایتی معاصر ریشه در همان دستورات و تعالیم اسلامی دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، فرضیه ما این است که کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹م ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷م الحاقی به آن با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی دارای همسویی بالایی است و همچنین بعضی از این مقررات معاصر، ریشه در حقوق بشردوستانه اسلامی دارد.

برای بررسی این امر، در ادامه مقاله، نخست از چگونگی آغاز اسارت و اهداف آن سخن می‌گوییم، سپس به بررسی حقوق اسیران جنگی و نیز اختیارات دولت اسیرکننده در خلال دوره اسارت می‌پردازیم. پس از آن، پایان اسارت را تحلیل و بررسی خواهیم کرد و در نهایت به جمع‌بندی و نتایج آن خواهیم پرداخت.

آغاز اسارت و اهداف آن

بررسی آثار اسارت و اهداف آن، نیازمند بیان مقدماتی در این راستا است. لذا در این فصل در آغاز، تعریف مختصری از اسیران جنگی ارائه می‌دهیم، سپس به بررسی چگونگی آغاز اسارت، وضعیت حقوقی اسارت افراد بازداشت‌شده و اهداف به‌اسارت درآوردن در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو می‌پردازیم.

۱. تعریف اسیران جنگی

اسیر، از ریشه «اسر» به معنای به‌چنگ آوردن و به‌دست آوردن و گرفتن است. اسیر، دشمنی است که در حال جنگ یا پس از جنگ گرفتار می‌شود (حجازی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). گفته شده است در اسلام منظور از اسیر، فردی است از اهل دارال‌حرب که گرفتار مسلمین شده است (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۳۵۷). در مجموع می‌توان گفت، افراد نیروهای مسلح یک دولت درگیر جنگ، غیر از کارکنان بهداری و مذهبی، رزمنده‌اند. هر رزمنده‌ای که به دست دولت متخاصم بیفتد، اسیر جنگی تلقی می‌شود. همچنین مردم و ساکنان سرزمین اشغال‌نشده‌ای که هنگام نزدیک شدن دشمن به‌طور خودجوش اسلحه به‌دست می‌گیرند تا با نیروهای مهاجم مبارزه کنند نیز حق بهره‌مندی از وضعیت حقوقی اسیر جنگی را دارند؛ مشروط بر اینکه آشکارا اسلحه حمل کنند و عرف‌های جنگی را محترم شمارند (امانی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

۲. چگونگی آغاز اسارت

به‌طور کلی در هنگام بروز یک درگیری بین‌المللی، تنها رزمندگان و اعضای گروه‌های مسلح دو کشور حق شرکت در جنگ را دارند؛ به‌واسطهٔ این حق در صورت دستگیری، از امتیاز اسیر جنگی برخوردار خواهند شد. وضعیت اسیر از آن نظر یک امتیاز تلقی می‌شود که وقتی رزمندگان دستگیر شوند و به‌اسارت درآیند، نمی‌توان آن‌ها را به دلیل شرکت در جنگ یا به دلیل اعمال ارتكابی در جنگ که ناقض حقوق بین‌الملل نیست، محاکمه کرد. درمقابل، چنانچه جمعیت غیرنظامی، یعنی کسانی که حق شرکت در نبرد را ندارند مثل شهروندان عادی، در جنگ شرکت جویند و دستگیر شوند، از وضعیت اسیر برخوردار نخواهند بود و می‌توان آن‌ها را به دلیل شرکت در جنگ محاکمه کرد، زیرا آن‌ها رزمنده نبوده و حق شرکت در مخاصمه را نداشته‌اند (رنجبریان، ۹۳-۱۳۹۲، ص ۱۰).

باید دقت کرد که بین تعریف و مصادیق اسیر در حقوق اسلام با حقوق بین‌الملل

تفاوت‌هایی وجود دارد. در حقوق بین‌الملل، اسیر به کسی اطلاق می‌شود که به هر صورت در میدان جنگ دستگیر شود؛ خواه داوطلبانه تسلیم شود و خواه به اجبار او را دستگیر کنند (روسو، ۱۳۶۹، ص ۱۰۳). اما در حقوق بین‌الملل اسلام، کسانی که خود را تسلیم کنند، با شرایط زیر اسیر شمرده نمی‌شوند و آزاد خواهند شد:

- در بحبوحه جنگ و پیش از معلوم شدن سرنوشت جنگ (پیروزی مسلمین) تسلیم شده، تقاضای امان نمایند (عظیمی شوشتری، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲).
- تقاضای امان آن‌ها از سوی رهبر مسلمین یا هریک از مسلمانان با در نظر گرفتن مصالح اسلام و مسلمین پذیرفته شود (همان).

در حقوق بشردوستانه اسلامی، همواره بر این اصل تأکید شده است که «جنگ‌ها، نظام‌ها را رودرروی یکدیگر قرار می‌دهد و نه مردم را، بنابراین تا آنجا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، افراد باید از تعرض مصون باشند» (بوآزار^۱، ۱۳۶۹، ص ۱۰۷) و این به معنای مصونیت افرادی است که در نبرد شرکت نمی‌جویند؛ همانند زنان و کودکان. اما به محض اینکه همین افراد دارای مصونیت، در جنگ شرکت کنند، به هدف نظامی تبدیل می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اگر یک غیرنظامی در جنگ شرکت کند، در صورت دستگیری از وضعیت اسیر برخوردار نخواهد بود، اما چنین تفکیکی در حقوق بین‌الملل اسلام وجود ندارد. به عبارتی در جنگ‌های زمان پیامبر (ص) و صحابه، پس از اینکه دشمن شکست می‌خورد، همه افراد آن شهر یا مکان به اسارت گرفته می‌شدند و از امتیاز اسیر جنگی برخوردار می‌شدند. برای مثال می‌توان به اقدامات رسول خدا در خصوص زنانی اشاره کرد که اسیر شده و مطابق قوانین جنگ آن زمان می‌بایست به‌عنوان کنیز در اختیار نیروهای فاتح قرار می‌گرفتند، ولی پیامبر (ص) زمینه آزادی آنان را فراهم نمود. این امر نشان‌دهنده توجه ویژه آن حضرت به زنان بوده است؛ آن‌هم در عصری که هیچ قانونی درباره جنگ و حقوق انسان‌ها وجود نداشت (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵-۱۱۰). در واقع حتی افرادی که در نبرد مشارکت مستقیم نداشتند، به اسارت گرفته می‌شدند و پیامبر با عطف نسبت به آن‌ها برخورد می‌کرد.

مسئله مهمی که باید به آن توجه کرد، زمان به اسارت درآوردن است. باید روشن شود که نیروی‌های نظامی یک طرف مخاصمه در چه زمانی می‌توانند اقدام به بازداشت رزمندگان طرف مقابل بکنند. بر اساس حقوق بین‌الملل، اسیر کردن باید در زمان جنگ فعال صورت گیرد. بند ۲ ماده ۴۱ کنوانسیون سوم ژنو در تعریف کسانی که سلاح خود را بر زمین گذاشته‌اند، فرض را بر این می‌گذارد که قدرت بازداشت‌کننده در هنگام اسیر کردن، اقتدار

خود را نسبت به رزمندگان دشمن اعمال کرده است؛ یعنی سربازان دشمن یا تسلیم شده‌اند یا پس از آنکه به علت مجروح شدن قادر به نبرد نیستند، تحت اقتدار طرف مقابل قرار گرفته‌اند (فلک، ۱۳۸۷، ص ۴۴۶). در نتیجه، طبق کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، اسیر کردن رزمندگان طرف مقابل، به پایان جنگ وابسته نیست، بلکه هنگام جنگ نیز می‌توان به این کار مبادرت کرد.^۱

اما در حقوق بشردوستانه اسلامی، زمان به‌اسارت درآوردن، وقتی است که دشمن توان نظامی خود را از دست داده باشد. اسیر کردن پیش از پیروزی نهایی از نظر حقوق اسلامی صحیح نیست، زیرا تا وقتی که نیروی دشمن هنوز از توان نظامی برخوردار است، سپاه اسلام نباید نیروی خود را صرف نگهداری اسرا بکند. آیاتی از قرآن کریم به این موضوع اشاره دارد:

در آیه ۴ سوره محمد آمده است: «پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید، گردنها [ایشان] را بزنید و زمانی که کاملاً بر مشرکان غلبه کردید، اسرا را محکم ببندید و آنگاه اسیران را با أخذ فدیة یا بدون آن آزاد سازید تا جنگ، بار سنگین خود را بر زمین نهد»^۲. همچنین در آیه ۶۷ سوره انفال

۱. البته باید یادآور شد که امروزه یک اصل مسلم جنگی وجود دارد که در حین عملیات و یا پیشروی، به دلایل امنیتی و تدارکاتی معمولاً اقدام به اسیر کردن نمی‌شود و امر یادشده را به پایان عملیات موقوف می‌کنند (شوشتری، پیشین، ص ۱۷۲).

۲. فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا أَلْوَانَهُمْ فَإِذَا مَاتَ مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الرِّقَابُ أَوْزَارَهَا.

۳. با توجه به آیات پیشین که درباره آماده ساختن مسلمانان برای بیان یک دستور مهم جنگی است، قرآن می‌فرماید: «هنگامی که با کافران در میدان جنگ روبرو می‌شوید، با تمام قدرت به آنها حمله کنید و گردن‌هایشان را بزنید». بدیهی است که گردن‌زدن کنایه از قتل است، بنابراین ضرورتی ندارد که جنگجویان کوشش خود را برای انجام این امر به کار برند. هدف این است که دشمن از پای درآید، ولی از آنجا که گردن‌زدن روشن‌ترین مصداق قتل بوده، بر آن تأکید شده است. بدیهی است هنگامی که انسان با دشمنی خونخوار (کفار و مشرکین با ویژگی‌های خاصی که در قرآن در خصوص آنان بیان شده است) در میدان نبرد روبرو می‌شود، اگر با قاطعیت هرچه بیشتر حملات سخت و ضربات کوبنده بر دشمن وارد نکند، خودش نابود می‌شود و این یک دستور منطقی است. پس آیه می‌فرماید: «این حملات کوبنده باید همچنان ادامه یابد تا به اندازه کافی دشمن را درهم بکوبید و به‌زانو درآورید، در این هنگام اقدام به گرفتن اسیران کنید و آنها را محکم ببندید». از آنجا که گاه با کشتار شدید و وسیع دشمن خطر برطرف نمی‌گردد یکی از مصادیق این جمله در چنین شرایطی می‌تواند کشتار بوده باشد اما نه به مفهوم اصلی آن. به‌هرحال، این آیه بیانگر یک دستور حساب‌شده جنگی است که پیش از درهم شکستن قطعی مقاومت دشمن نباید اقدام به گرفتن اسیر کرد؛ چراکه پرداختن به این

آمده است: «پیامبران را نشاید که اسیر گیرند، قبل از آنکه به پیروزی دست یابند»^۱.

هر دو آیه دارای یک وجه مشترک هستند و آن این است که پیش از پیروزی کامل و غلبه بر دشمن، نباید مبادرت به گرفتن اسیر کرد، ولی پس از پیروزی کامل، اسیر کردن آغاز می‌شود و می‌توان مطابق با آیه نخست عمل کرد. بنابراین، به اسارت درآوردن پیش از پیروزی ممنوع است. دلیل این امر نیز روشن است، زیرا تا زمانی که جنگ به پایان نرسیده و پیروزی قطعی نشده است، نیروی سپاه صرف گرفتن و دستگیری اسرا می‌شود و ممکن است به شکست سپاه بینجامد.

البته نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که رزمنده دشمن که به اسارت گرفته می‌شود، امتیاز رزمنده بودن خود را ازدست نمی‌دهد. اسیر هنوز یک رزمنده است؛ رزمنده‌ای که به واسطه اسارت قادر به ادامه جنگ نیست و این وضعیت باید به شیوه‌ای پایان یابد (محقق داماد، همان، ص ۱۳۲-۱۳۱).

۳. وضعیت حقوقی اسارت افراد بازداشت شده

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای تشخیص رزمنده از غیررزمنده، قاعده‌ای وجود دارد که بیان می‌دارد: «رزمندگان باید در هنگام مبادرت به حمله یا در عملیات نظامی مقدم بر حمله، خود را از جمعیت غیرنظامی متمایز کنند. در صورت عدم انجام چنین کاری، حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را ندارند» (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷، ص ۵۶۱). لزوم تفکیک رزمندگان از جمعیت غیرنظامی، قاعده‌ای قدیم در حقوق بین‌الملل عرفی است و این قاعده عرفی در کنوانسیون سوم ژنو و پروتکل اول الحاقی تدوین شده است^۲. همچنین قاعده یادشده پیش از این هم در اعلامیه بروکسل^۳ و مقررات لاهه^۴ به رسمیت شناخته شده بود^۵. در این زمینه مقررات لاهه و کنوانسیون

امر گاهی سبب تزلزل موقعیت مسلمانان در جنگ خواهد شد و پرداختن به اسیران و تخلیه آنان در پشت جبهه آن‌ها را از وظیفه اصلی باز می‌دارد (ر.ک. جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۴۰۱-۲۹۸).

۱. ما کانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۴ (الف)، پروتکل الحاقی ۱، ماده ۴۴ (۳).

3. International Declaration concerning the Laws and Customs of War. Brussels, 27 August 1874

4. Hague Convention, 1899 & 1907

۵. اعلامیه بروکسل، ماده ۹.

سوم ژنو اعلام می‌دارند که اعضای منظم نیروهای مسلح در هر صورت از وضعیت اسیر برخوردار خواهند بود، زیرا فرض بر این است که این اعضا با لباس و یونیفرم مخصوص، خود را از افراد عادی متمایز می‌کنند، اما اعضای نیروهای شبه نظامی یا سپاهیان داوطلب برای اینکه از وضعیت اسیر برخوردار شوند، لازم است از چهار شرط پیروی کنند: دارای فرمانده باشند؛ لباس فرم به تن داشته باشند؛ سلاح خود را آشکارا حمل کنند؛ قوانین و مقررات بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه را مراعات نمایند (Hingorani R.C, 1982, P. 19). پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو نیز در بند ۳ ماده ۴۴ خود به لزوم تفکیک نظامیان از جمعیت غیرنظامی، برای تمام اعضای نیروهای مسلح، اعم از منظم یا نامنظم، اشاره می‌کند. رویه دولت‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که برای تفکیک رزمندگان از جمعیت غیرنظامی، انتظار می‌رود که آن‌ها یونیفرم یا نشانه مشخصی بر تن کرده، سلاح خود را علنی حمل کنند. برای مثال در دستورالعمل نظامی آلمان آمده است: «بر طبق رویه غالباً پذیرفته شده کشورهای، اعضای منظم نیروهای مسلح بایستی یونیفرم بر تن داشته باشند. معهدا رزمندگانی که عضو نیروهای مسلح نیستند نیز بایستی نشانه متمایزکننده دائمی که از فاصله دور قابل تشخیص باشد، به تن داشته و سلاح خود را به‌طور علنی حمل نمایند» (هنکرتز و دوسوالدبک، همان، ص ۵۶۳). در قضیه کاظم در سال ۱۹۶۹م، دادگاه نظامی اسرائیل در رام‌الله چنین رأی داد که متهمان با پوشش کلاه‌های ابلق و لباس سبز به‌قدر کافی تکلیف ناظر بر تفکیک خود را ایفا کرده بودند، زیرا این نوع پوشش، لباس معمول ساکنان منطقه‌ای که در آن دستگیر شده‌اند، نبوده است^۱ (همان، ص ۵۶۴). همچنین ساکنان کشوری که هنوز اشغال نشده است، اما به دلیل نزدیک شدن دشمن به آن‌ها، به‌طور خودجوش و بدون آنکه وقت تشکیل نیروی نظامی سازمان‌یافته را داشته باشند، سلاح برگرفته و به مقابله با آن‌ها می‌پردازند، حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را خواهند داشت. البته به این شرط که سلاح خود را علنی حمل نمایند و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نیز رعایت کنند. این قاعده در کنوانسیون سوم ژنو^۲ و پیش از

۱. برای آگاهی بیشتر از اسرائیل، دادگاه نظامی در رام‌الله و قضیه کاظم، ر.ک. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس، ۱۳۸۷، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
 ۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۴ (الف) (۶).

آن در کد لیبر^۱، اعلامیه بروکسل و مقررات لاهه شناسایی شده است.^۲ در تاریخ اسلام نیز برای شناخت خودی از دشمن در بحبوحه هر جنگ طرح‌های گوناگونی برای لباس ابداع شده بود که دو هدف را دنبال می‌کرد؛ راحتی و مشخص بودن. نقل شده است که پیامبر (ص) هنگام عملیات نظامی ردای خاصی می‌پوشیدند و درباره افراد برجسته سپاه نیز نقل شده است که هنگام نبرد لباس‌های خاصی بر تن می‌کردند. اما در عصر پیامبر هیچ اقدام و نشانی که حاکی از اقدامی منسجم در تجهیز تمامی افراد سپاه به لباسی متحدالشکل باشد وجود ندارد، جز اینکه نقل شده است که رسول الله (ص) در جنگ بدر دستور دادند که مسلمانان باید دارای علائم خاصی باشند و افزودند ملائکی که در آن روز به کمک مسلمین می‌آیند، دارای همان نشانه‌ها خواهند بود (حمیدالله، ۱۳۸۳، ص ۲۶۸). البته در دوران خلافت حضرت علی (ع)، یکسانی منسجم‌تری در خصوص لباس ثبت شده است (همان، ص ۲۶۹). همچنین معتمد و متوکل عباسی ارتش‌هایی با لباس‌های یکسان به وجود آورده بودند (Ameer, 2004, P.431).^۳

یکی از نکات مورد توجه این است که باید مشخص شود، چه وقت و با ارتکاب چه عملی چنانچه رزمنده به دست دشمن بیفتد، اسیر تلقی می‌شود. رزمندگان به محض آنکه به دست دشمن بیفتند، اسیر جنگی تلقی می‌شوند. به دست دشمن افتادن، تنها زمانی رخ می‌دهد که رزمندگان از سوی ارکان صالح دولتی طرف مقابل به اسارت گرفته یا حبس شوند. بنابراین در جریان جنگ دوم خلیج فارس، وقتی سربازان عراقی در صحرا خود را تسلیم روزنامه‌نگاران کردند، از وضعیت اسیر جنگی برخوردار نمی‌شدند، زیرا هنوز به نیروهای مسلح متحدین تحویل داده نشده بودند. همچنین قرار گرفتن در سرزمین دشمن شرط به دست دشمن افتادن را محقق نمی‌سازد (فلک، همان، ص ۴۴۶).

۱. در سال ۱۸۶۱م فرانسیس لیبر (۱۸۷۲-۱۸۰۰)، استاد آلمانی-امریکایی علوم سیاسی و حقوق در دانشگاه کلمبیای نیویورک، از طرف آبراهام لینکلن رئیس جمهور آمریکا، نظامنامه‌ای بر مبنای حقوق بین‌الملل (کُد لیبر) تنظیم کرد که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۳م به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی برای نیروی زمینی ایالات متحده آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱) لازم‌الاجرا بود (فلک، همان، ص ۴۱). کُد لیبر منشأ مقرراتی بود که امروز آن را «حقوق لاهه» (Hague Law) می‌نامند. کد لیبر مجموعه‌ای از مقررات نحوه جنگ، رفتار با نظامیان دشمن و اسیران جنگی و دیگر موارد بود که خود سرمشق آیین‌نامه‌ها و تعلیمات نظامی در دیگر کشورها شد و در تحولات بعدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اثری در خور توجه برجای گذارد (همان، ص ۳۰). کُد لیبر نخستین اقدامی بود که برای تدوین مقررات و عرف‌های جنگ به صورت مجموعه‌ای از دستورالعمل برای نیروهای نظامی در صحنه نبرد صورت گرفت.

۲. کد لیبر، ماده ۵۱؛ اعلامیه بروکسل، ماده ۱۰؛ مقررات لاهه، ماده ۲.

۳. البته رویه خلفا و رهبران کشورهای اسلامی را نمی‌توان نظر اسلام دانست، ولی در جایی نظیر موضوع مورد بحث، به نظر می‌رسد نباید مغایرتی با مقررات اسلامی داشته باشد.

ماده ۸۵ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌دارد که اسیران جنگی به علت اعمال ارتكابی پیش از اسارت، از مزایای کنوانسیون محروم نمی‌شوند؛ یعنی اگر کسی که به اسارت گرفته شده، پیش‌تر مرتکب جرمی حتی جنایت جنگی هم شده باشد، از حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی محروم نخواهد شد. به این ترتیب، قدرت بازداشت‌کننده اجازه ندارد با این توجیه که سربازان دشمن به فعالیت‌های جنگی غیرقانونی پرداخته‌اند، وضعیت اسیر جنگی بودن آن‌ها را منکر شود. در جریان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱م، عراق از اعطای وضعیت اسیر جنگی به خلبانان متحدین که به اسارت این کشور درآمده بودند، خودداری می‌کرد؛ به این دلیل که آن‌ها جنایتکاران جنگی هستند (همان، ص ۴۴۷). این اقدام از دید حقوق بشردوستانه پذیرفته نیست. در مقابل، نظامیان مزدور، جاسوسان و خرابکاران، حق برخورداری از وضعیت مربوط به اسیران جنگی را ندارند^۱. این قاعده که رزمندگان درگیر در عملیات جاسوسی حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را ندارند و می‌توان آنان را محاکمه کرد، در پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو آمده^۲ و یکی از قدیمی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است^۳.

۴. اهداف به اسارت در آوردن نیروهای دشمن

هدف از به اسارت گرفتن نیروهای دشمن، تضعیف قدرت جنگی طرف مخاصمه است^۴. در واقع هریک از طرف‌های درگیر تلاش می‌کند با به اسارت در آوردن رزمندگان طرف مقابل، وی را از در اختیار داشتن مهم‌ترین عامل توان رزمی خود، یعنی نیروی انسانی، محروم کند. تمامی افرادی که در ماده ۴۳ پروتکل الحاقی اول یا ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو از آن‌ها نام برده شده است، اگر به دست دشمن بیفتند، اسیر جنگی تلقی می‌شوند. انجام عملیات نظامی از سوی رزمندگان در یک جنگ جرم نیست و مغایر با حقوق بین‌الملل نمی‌باشد؛ به شرطی که اعمال انجام‌شده جنایات جنگی نباشد. بنابراین به اسارت گرفتن یک رزمنده هرگز به معنای مجازات کردن وی تلقی نمی‌شود، بلکه هدف این است که وی از انجام عملیات نظامی و ادامه نبرد باز ماند. به همین علت، شرایط بازداشت اسیران جنگی باید با محکومان متفاوت باشد. کنوانسیون سوم ژنو هم در شرایط استثنایی اجازه می‌دهد که اسیران جنگی در زندان تحت

۱. حکومت اسرائیل طی چند روز حق بازدید را برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص ۹۰۰۰ فلسطینی بازداشت‌شده در لبنان در ژوئیه ۱۹۸۲ نپذیرفت؛ به این تصور که اینان فقط خرابکار هستند و باید در دادگاه‌های عادی محاکمه شوند (ضیایی بیگدلی، همان، ص ۱۶۴).

۲. پروتکل الحاقی اول، ماده ۴۶(۱).

۳. چون بحث جاسوسی ارتباط مستقیمی با موضوع مقاله ندارد، از ارائه توضیحات بیشتر خودداری می‌شود.

۴. البته این اصل در کنوانسیون به صراحت ذکر نشده است، ولی از هدف و موضوع آن قابل استنباط است.

بازداشت باشند^۱؛ برای مثال اگر اسیران جنگی به سبب ارتکاب اعمالی قبل از به اسارت درآمدن محکوم به حبس شوند، می‌توان آن‌ها را در زندان نگه داشت (همان، ص ۴۳۴). در حقوق اسلامی نیز قاعده به همین منوال است. بر پایه حقوق بشردوستانه اسلامی، اسیر را به محض اسارت نمی‌توان کشت، زیرا وی به دلیل نبرد مرتکب جرمی نشده است. ولی اگر اسیری در خارج از مقررات و قوانین جنگ مرتکب جرم یا جنایتی شده باشد، محاکمه و مجازات خواهد شد و این مجازات ارتباطی با اسیر شدن وی ندارد. در این خصوص اجماع اصحاب پیامبر نیز وجود دارد (ابن هشام، بی‌تا، ص ۴۵۸).

نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که اسیران جنگی اسیر آن واحد اسیرکننده نیستند، بلکه اسیر دولتی هستند که واحد اسیرکننده در زمره نیروهای مسلح آن تلقی می‌شود^۲. این اصل از دو جنبه اثر دارد. نخست اینکه در این حالت از اسیران جنگی حمایت بیشتری صورت خواهد گرفت، زیرا اسیرکنندگان اجازه ندارند اسیران را اسرای شخصی خود تلقی کنند و با آن‌ها رفتار ظالمانه داشته باشند. همچنین دولت بازداشت‌کننده متعهد است از ارگان‌های خود بخواهد که از قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص رفتار با اسرای جنگی پیروی کنند و همچنین اجرای این قواعد را تضمین نماید. دوم اینکه بر اساس اصل مسئولیت دولت در قبال کلیه اعمال ارتکاب‌یافته از سوی گروه‌های مسلح خود، اگر رفتار متخلفانه‌ای علیه اسرا صورت گیرد، می‌توان علیه دولت طرح دعوا کرد (فلک، همان، ص ۴۳۵).

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز فرد اسیرشده در اختیار رزمنده‌ای که او را اسیر گرفته است، قرار ندارد و اصل اولیه در تعیین وضعیت یک اسیر جنگی این است که امام مسئول حفظ سلامت و امنیت او است. مکاتب فقهی در این موضوع که طرف اسیرکننده در صورت کشتن اسیر جنگی خود باید پاسخگو و مسئول باشد، اتفاق نظر دارند، اما درباره میزان و نوع کیفر اختلاف رأی وجود دارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۰۵ - ۱۰۴؛ به نقل از شیبانی، السیر الکبیر با شرح سرخسی، فصل هشتم کتاب الاصل).

همان‌طور که مشاهده شد، فرایند آغاز اسارت و اهداف آن و همچنین شرایطی که یک فرد باید داشته باشد تا به‌عنوان اسیر تلقی شود و از امتیازات مربوطه برخوردار شود، در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو دارای تشابهات فراوانی است.

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۲۱.

۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۱۲(۱).

حقوق اسیران جنگی و اختیارات دولت اسیرکننده در طول مدت

اسارت

در این بخش به بررسی دو موضوع، حقوق اسیران جنگی و نیز اختیارات دولت اسیرکننده از زمان بازداشت تا زمانی که برای اسرا تعیین تکلیف شود، در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو خواهیم پرداخت.

۱. حقوق اسیران جنگی در طول مدت اسارت

۱.۱. حق بر غذا و پوشاک

باب دوم کنوانسیون سوم ژنو به حمایت کلی از اسیران جنگی می‌پردازد. برابر ماده ۱۳ کنوانسیون یادشده، با اسیران جنگی باید در همه حال با انسانیت رفتار شود و هر عملی که موجب فوت یک اسیر جنگی شود یا سلامت او را به خطر اندازد، ممنوع است. بر اساس ماده ۲۶ کنوانسیون سوم ژنو، مواد غذایی باید به اندازه کافی در اختیار اسیران جنگی قرار گیرد تا در وضعیت مطلوبی باشند و دچار کمبود وزن و سایر مشکلات نشوند. این ماده برای تعهد به ارائه مواد غذایی به اسیران جنگی، استثنایی هم پیش‌بینی نکرده است؛ یعنی برای مثال به علت مذهب اسیران یا رابطه آن‌ها با دولت متجاوز، نمی‌توان از آن‌ها مراقبت کافی به عمل نیاورد. اهمیتی که کنوانسیون سوم ژنو برای تغذیه اسیران جنگی قائل است، از بند ۶ ماده ۲۶ نیز برداشت می‌شود. بر اساس این بند، قدرت بازداشت‌کننده اجازه ندارد از طریق دریغ کردن مواد غذایی از اسیران جنگی، دست به اقدامات تنبیهی بزند. تاریخ گویای این است که در جریان جنگ اقیانوس آرام^۱، سربازانی که به اسارت ارتش ژاپن درآمدند، به دلیل کمبود آب و غذا و نیز مکانی برای استراحت، دچار سوءتغذیه و مبتلا به بیماری‌هایی مانند اسهال خونی و مالاریا شدند (Kyoichi, 2008, p.47).

در خصوص پوشاک نیز تأمین لباس با توجه به شرایط آب و هوایی متفاوت خواهد بود. هر اندازه خطر آسیب آب و هوایی برای سلامت اسیران جنگی بیشتر باشد، وظایف قدرت بازداشت‌کننده در تهیه پوشاک کافی برای اسیران جنگی نیز بیشتر خواهد بود. در جریان جنگ جهانی دوم، شرایط نگهداری و جابه‌جایی اسرا یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بود و

۱. جنگ اقیانوس آرام، نام کلی جبهه اقیانوس آرام جنگ جهانی دوم است که میان نیروهای محور، مانند امپراتوری ژاپن و نیروهای متفقین به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، انگلستان و هلند در اقیانوس آرام و جزایر آن و نیز در شرق آسیا که در آن زمان خاور دور خوانده می‌شد، به‌وقوع پیوست.

موجب می‌شد که اسیران به علت نبود مراقبت‌های کافی در مسیر انتقال به اردوگاه فوت کنند. لذا ماده ۲۰ کنوانسیون سوم ژنو رفتار انسانی را الزامی دانسته است و محدودیت‌های صریح و مطلق را در خصوص رفتار با اسرای جنگی به‌خصوص در هنگام حمل و نقل مقرر می‌سازد. برابر این ماده، مواد غذایی، پوشاک و مراقبت‌های پزشکی کافی باید در اختیار اسیران جنگی قرار گیرد. در واقع می‌توان ماده ۲۰ کنوانسیون سوم ژنو را مورد خاصی از اصل رفتار کلی انسانی دانست که در ماده ۱۳ کنوانسیون هم بیان شده است. البته باید گفت هرچند در ماده ۲۰ پیش‌بینی شده است شرایط انتقال اسیران همانند انتقال نیروهای خودی باشد، اگر به‌طور واقع‌بینانه در نظر بگیریم، نمی‌توان انتظار داشت که جابه‌جایی اسیران به شیوه مشابه انتقال نیروهای قدرت بازداشت‌کننده باشد. شرایط انتقال نیروهای خودی به صورت اجتناب‌ناپذیر، با نقل و انتقال سربازان جنگی متفاوت خواهد بود. بنابراین، اشاره به شرایط نقل و انتقال نیروهای خودی را می‌توان تقویت‌کننده اصل رفتار انسانی دانست؛ تا حدی که فرض کنیم آن‌ها نیروهای خودی هستند.

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز بر امر فراهم کردن غذا و پوشاک برای اسیران تأکید شده است. خداوند اهل بیت پیامبرش را در آیه ۹ سوره انسان، به این دلیل مدح کرده است که غذای خویش را در حالی که روزه‌دار بودند به مسکین و اسیر دادند، در صورتی که خود بیش از آن‌ها به آن نیاز داشتند. «ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم»^۱. همچنین پیامبر (ص) درباره حقوق اسیران می‌فرماید: «به اسیران اکرام کنید و آنها را در غذای خودتان مقدم دارید» (ذهبی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۹). در خصوص رعایت حقوق و احترام به اسرای جنگی نقل قول‌های زیادی وجود دارد. برای مثال، مسلمانان در جنگ بدر بسیار به اسرا احترام می‌گذاشتند و حتی به آن‌ها رطب و نان تازه می‌دادند. فردی به نام ابو عزیز بن عمیر که در همین جنگ اسیر شده بود، می‌گوید: «وقتی از بدر مرا به سوی مدینه می‌آوردند، همراه گروهی از انصار بودم. چون به غذا می‌نشستند، نان را به من می‌دادند و خودشان خرما می‌خوردند (ارزش نان به دلیل کمبود گندم در مدینه برای مسلمانان در آن زمان بیشتر بود) و این به سبب سفارشی بود که پیامبر (ص) در مورد اسیران کرده بود» (عظیمی شوشتری، همان، ص ۱۷۵). درباره کیفیت و کمیت غذا نیز برخی معتقدند به اندازه کفایت باید به اسیر غذا داد و حداقل به اندازه غذایی باشد که خود رزمنده‌های اسیرگیرنده می‌خورند (حبیب نژاد، ۱۳۹۲، ص ۵۴۷).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «واجب است که به اسیران آب و غذا داده شود و با مهربانی با

۱. إِنَّمَا تُطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا.

آنها رفتار شود حتی اگر قرار باشد اعدام شوند» (احمدی میانجی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۳). همچنین صلاح‌الدین ایوبی وقتی مشاهده کرد آذوقه کافی برای تغذیه اسرا وجود ندارد، تعدادی از آنان را آزاد کرد؛ هرچند که این عمل خطر پیوستن دوباره آنها را به نیروهای دشمن به همراه داشت (محقق داماد، همان، ص ۱۳۳). ابو یوسف^۱ نیز خاطرنشان می‌کند: «اسرا تا زمانی که در مورد آنها تصمیمی اتخاذ گردد، باید اطعام شوند و به نحو خوبی با آنها رفتار شود، اسرا باید از سرما و گرما و نظایر آن حفظ گردند و در صورتی که لباس نداشته باشند، باید برای آنها تدارک دیده شود، چنانکه سنت پیامبر (ص) نیز همین بوده است» (حمیدالله، همان، ص ۲۴۴).

۲.۱. حق بر احترام و سلامت

از مهم‌ترین حقوقی که درباره اسرا باید رعایت کرد، حفظ شأن و منزلت اسیر و رعایت احترام نسبت به اوست. بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو، به صراحت تأکید می‌کند که قدرت بازداشت‌کننده باید از ارتکاب اعمال غیرانسانی از جانب هر عضو دیگری ممانعت به عمل آورد؛ به‌ویژه باید از اسیران جنگی در برابر خشونت، تهدید، توهین و کنجکاوی عمومی حمایت کرد. بنابراین نمی‌توان اسیران جنگی را از میان خیابان‌های شهر عبور داد و آنها را در معرض تماشای عموم گذاشت، زیرا افزون بر اینکه نوعی توهین تلقی می‌شود، امکان آسیب دیدن و خشونت علیه آنان وجود دارد. در این خصوص می‌توان به عملکرد کشور عراق اشاره کرد که در جریان جنگ دوم خلیج فارس، خلبانان اسیر متحین را در خیابان‌های بغداد در معرض تماشای عموم قرار داد که نقض آشکار ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو بود (فلک، همان، ص ۴۳۸).

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز نه تنها بر رعایت رفتار انسانی، بلکه بر خوش‌رفتاری و داشتن رفتار برادرانه با اسرا در طول مدت اسارت همواره تأکید شده است. در حقوق اسلامی هم بر موارد پیش‌گفته و هم بر مجاز نبودن شکنجه در هر شرایطی تأکید شده است. انزجار پیامبر از شکنجه در روایات مختلفی نمایان است؛ از جمله در مسئله سهیل بن عمرو عامری (که خطیبی زبردست بود)، عمر بن خطاب از رسول خدا (ص) خواست به او اجازه دهد تا

۱. یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن خنسیس بن سعد بن بجیر (۱۸۲-۱۱۳ق)، معروف به ابویوسف، قاضی نامدار و از بنیان‌گذاران فقه حنفی است. همچنین او اخبار، انساب، ایام عرب و مغازی را خوب می‌دانست و در سال ۱۶۶ق در زمان خلیفه عباسی، مهدی (حک: ۱۶۹-۱۵۸ق) به منصب قضاوت رسید و از سال ۱۶۶ تا زمان مرگش به مدت ۱۶ سال در زمان خلافت هادی عباسی (حک: ۱۷۰-۱۶۹) و هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳) در این منصب باقی ماند و قاضی القضاة بغداد نام گرفت.

دندان‌های سهیل را درآورد تا او دیگر قادر به ایراد خطابه علیه پیامبر (ص) نباشد. پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: «من او را از شکل نخواهم انداخت، زیرا اگر چنان کنم، خداوند مرا که رسول اویم از شکل خواهد انداخت» (ابن‌الکثیر، بی‌تا، ص ۳۰۴). از این‌رو، مسلمانان حق ندارند کوچک‌ترین آزار و اذیتی نسبت به اسرا داشته باشند؛ همچنین اهانت به آن‌ها نیز جایز نیست و باید اخلاق اسلامی رعایت شود (اسدی، ۱۳۶۳، ص ۱۶).

۱.۳. حق بر انجام فرایض دینی

یکی از موضوعاتی که در سلامت روحی اسیران جنگی مؤثر است، آزادی دادن به آن‌ها برای انجام فرایض دینی است. انجام مراسم مذهبی، تنها تابع مقررات انضباطی مقرر شده از سوی فرماندهان است. ولی از یک طرف، مقررات دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند انجام مراسم مذهبی را غیرممکن سازد و یا به‌طور کلی آن را منع کند و از طرف دیگر، اسیران جنگی نیز حق ندارند با اجرای مراسم مذهبی و دینی خود، در نظم اردوگاه اختلال ایجاد کنند. این امر در ماده ۳۴ کنوانسیون سوم ژنو تأکید شده است. همچنین بر اساس این ماده، قدرت بازداشت‌کننده باید اماکن مناسب را برای برگزاری آیین‌های مذهبی فراهم نماید. افزون بر این، ماده ۳۵ این کنوانسیون اجازه فعالیت روحانیون دینی را در تکمیل آزادی عبادت اسیران جنگی می‌دهد. روحانیون اجازه دارند با اسیران ملاقات کنند، برای آن‌ها جلسه بگذارند، آنان را موعظه کنند و قدرت بازداشت‌کننده باید تسهیلات لازم را در این زمینه فراهم سازد.

۱.۴. حق بر نامه‌نگاری

یکی دیگر از حقوقی که اسیران جنگی از آن برخوردارند، حق نامه‌نگاری با اقوام خویش است. برابر کنوانسیون سوم ژنو، حداکثر پس از گذشت یک هفته از ورود به اردوگاه، هر اسیر جنگی باید حق داشته باشد به‌طور مستقیم با خانواده‌اش و آژانس مرکزی اسیران جنگی نامه‌نگاری کند و آن‌ها را از خسارت خود آگاه سازد.^۱ بر پایه این کنوانسیون، اسیر حق دارد حداقل دو نامه در ماه و چهار کارت در ماه ارسال نماید.^۲ قدرت بازداشت‌کننده نمی‌تواند مانع این مکاتبه شده یا تأخیری در آن ایجاد کند (فلک، همان، ص ۴۴۷).
در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز با استفاده از نصوصی که در آن معصومین (ع) احسان و

۱. کنوانسیون ژنو، مواد ۷۰ و ۱۲۳.

۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۷۱.

نیکی با اسیران را به مسلمانان سفارش کرده‌اند، می‌توان استنباط نمود که ارتباط اسیر با خانواده، با ابزاری چون مکاتبه و نامه، به شرطی که موجب افشای اسرار نشود، جایز است (حبیب نژاد، همان، ص ۵۵۱). همچنین این حق به اسیر داده می‌شد که در خصوص اموالی که در مملکت خود دارد وصیت‌نامه تنظیم کند و در صورت امکان با اقوام خویش مکاتبه داشته باشد. بدیهی است که وصیت و نامه وی باید به طریق مقتضی به مقامات دشمن اطلاع داده شود (حمیدالله، همان، ص ۲۴۴).

۲. اختیارت دولت اسیرکننده در طول مدت اسارت

۲.۱. خلع سلاح اسرا و بازجویی از آنان

اسیران جنگی پس از به اسارت درآمدن باید خلع سلاح و بازرسی شوند. این امر تضمین‌کننده این است که توقیف آن‌ها توقیفی امنیتی است، اما حق قدرت بازداشت‌کننده در بازرسی محدود نیست. قدرت بازداشت‌کننده حق دارد از این امر آگاه شود که اسیران جنگی چه اشیایی را با خود حمل می‌کنند. در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص برخورد با اموال طرف مقابل جنگ، قاعده این است که «هریک از طرفین می‌توانند تجهیزات نظامی طرف مقابل را به‌عنوان غنیمت جنگی تصاحب کنند». رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. این قاعده که طرفین می‌توانند تجهیزات نظامی طرف مقابل را به‌عنوان غنیمت جنگی تصاحب کنند، در کد لیبر ذکر شده است و منعکس‌کننده سابقه طولانی در درگیری‌های بین‌المللی است (فلک، همان، ص ۴۵۰-۴۴۶). این قاعده تلویحاً در مقررات لاهه و کنوانسیون سوم ژنو هم اشاره شده است که اشعار می‌دارد: اسرای جنگی حق دارند اموال خصوصی خود را در ملکیت خود نگاه دارند؛ یعنی لوازم شخصی (به استثنای اسلحه، اسب، تجهیزات نظامی) و کلاه‌خودهای فلزی، ماسک‌های ضد گاز و کلیه اشیاء که به‌منظور حفاظت شخصی است و نیز لوازم مربوط به پوشش یا تغذیه آن‌ها جزء غنایم شمرده نمی‌شود و در اختیار خودشان باقی می‌ماند. همچنین پول و اموال ارزشمند همراه اسیر جنگی را نمی‌توان از آن‌ها گرفت؛ مگر به دستور یکی از افسران دولت‌های توقیف‌کننده و پس از دادن رسید، تا این پول و اشیاء در پایان اسارت به آن‌ها بازگردد.^۲ این امر در دستورالعمل نظامی استرالیا نیز ذکر شده که «غنایم جنگی عبارت است از تمام آنچه که از اسرای جنگی اخذ می‌شود به غیر از آنچه که

۱. مقررات لاهه، ماده ۴؛ کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۸(۱).

۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۸(۴) و (۶).

بتوان آن را متعلقات شخصی نامید» (هنکرتز و دوسوالدبک، همان، ص ۲۸۴). در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز افراد دشمن را پس از دستگیری و به اسارت گرفتن بازرسی می‌کردند و اموال آن‌ها را به‌غنیمت می‌گرفتند. البته در اینکه غنایم جنگی تنها شامل تجهیزات نظامی می‌شود یا اموال شخصی نظامیان دشمن را هم دربر می‌گیرد، مستند و روایتی در دست نیست و می‌توان گفت بسته به شرایط تسلیم و اوضاع و احوال، متفاوت است. در روایتی آمده است، در خیبر پیامبر (ص) شرط کرد که افراد دشمن شکست‌خورده، همه چیز را تسلیم کنند؛ مگر لباس‌هایی که بر تن دارند. از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که چون لباس جزء لوازم شخصی است، پس به‌نظر می‌رسد در عصر پیامبر (ص) نیز لوازم شخصی جزء غنایم نباشد، ولی به‌هر حال رویه واحدی در دست نیست (حمیدالله، همان، ص ۲۸۱).

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، اسیر برای طرفی که او را به اسارت گرفته است ارزش نظامی دارد، زیرا از او می‌توان به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی استفاده کرد. بنابراین، برابر ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو، بازجویی از اسیران مجاز است، ولی آیین بازجویی باید به‌درستی صورت گیرد. هرگونه شکنجه جسمی یا روانی یا هر شکل دیگر از اعمال فشار به اسیران جنگی با هدف کسب اطلاعات از آن‌ها ممنوع است. همچنین نمی‌توان اسیران جنگی را که از پاسخگویی خودداری می‌ورزند، تهدید کرد، به آن‌ها توهین نمود یا رفتار نامناسب با آنان داشت. به این ترتیب، کتک زدن خلبانان نیروهای متحدین که به‌عنوان اسیر نگهداری می‌شدند، از سوی عراقی‌ها در جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱م، نقض فاحش ماده ۱۷ کنوانسیون سوم ژنو قلمداد شده است (فلک، همان، ص ۴۶۱). در خصوص بستن دست و پای اسیران، مقررۀ مشخص و صریحی در کنوانسیون سوم ژنو وجود ندارد، ولی این امر در جنگ‌های مختلفی رخ داده است. در جنگ دوم خلیج فارس، تصاویر سربازان عراقی در صحرای عربستان درحالی که دست‌هایشان از پشت بسته شده بود و منتظر انتقال بودند، در سراسر جهان مشاهده شد (همان، ص ۴۴۸). به‌عنوان یک قاعده، بستن اسیران جنگی در اردوگاه‌ها ممنوع است، اما در میدان نبرد ممکن است بستن سربازان قابل توجه باشد، زیرا هدف اولیه، توقیف سربازان و جلوگیری از فرار آن‌ها یا ممانعت از تخریب تجهیزات است. به‌طور کلی می‌توان گفت وقتی برابر کنوانسیون سوم ژنو، شلیک به اسیران جنگی برای جلوگیری از فرار آن‌ها مجاز است؛ پس می‌توان استدلال کرد که بستن آن‌ها نیز به طریق اولی مطابق کنوانسیون می‌باشد.

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۴۲.

در حقوق بشردوستانه اسلامی با توجه به موارد زیر، به نظر می‌رسد نحوه برخورد با اسرا دارای ضوابط خاصی است. برای مثال، پیامبر اکرم (ص) همواره از شکنجه دادن بیزاری می‌جستند و بر خوش رفتاری با اسیران تأکید داشتند. از ایشان نقل شده است که «خدای تعالی کسانی را که مردم را در این دنیا شکنجه می‌دهند، عذاب خواهد کرد» (محقق داماد، همان، ص ۱۵۰). اما در خصوص بستن اسیران، بخش اول آیه ۴ سوره محمد (ص) این امر را کاملاً مجاز می‌کند: «و زمانی که کاملاً بر مشرکان غلبه کردید اسرا را محکم ببندید...»^۱. البته این آیه به بستن اسرا در میدان نبرد اشاره دارد و نه در محل نگهداری آن‌ها، زیرا ادامه آیه یادشده، بر آزادی اسرا با اخذ فدیة یا بدون آن اشاره می‌کند.^۲ شیوة عمل پیامبر (ص) در خصوص اسیران جنگی این بود که یا آن‌ها را میان مجاهدانی که در جنگ شرکت داشتند، تقسیم می‌نمود تا در خانه‌های خود نگهداری کنند یا در مسجد از آن‌ها محافظت شود (عظیمی شوشتری، همان، ص ۱۷۵)؛ به این ترتیب، رفتار بدون خشونت و همراه با احترام در فرهنگ اسلامی مشهود است.

۲.۲. دسته‌بندی اسرا و منع تبعیض ناروا

برابر ماده ۱۶ کنوانسیون سوم ژنو، هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، ملیت، عقاید مذهبی یا نظریات سیاسی یا معیارهای مشابه، غیرقانونی است. رفتار بدون تبعیض و برابر با اسیران جنگی باید از جانب قدرت بازداشت‌کننده تضمین شود؛ حتی اگر بتوان اسیر را بر اساس نژاد، ملیت، عقاید مذهبی و غیره تقسیم‌بندی کرد. باوجوداین، بند ۳ ماده ۲۲ کنوانسیون سوم ژنو حاوی قاعده‌ای در خصوص تبعیض مثبت است. گروه‌بندی اسیران بر اساس زبان، ملیت و عرف می‌تواند دارای مزایایی باشد. همچنین در خصوص رفتار با زنان، کنوانسیون یادشده مقررات خاصی برای حمایت از آنان بیان کرده است. برابر بند ۳ ماده ۲۲ کنوانسیون سوم ژنو، باید سعی شود حتی‌الامکان اسیران بر اساس ملیت، زبان، آداب و رسوم خود دسته‌بندی شوند. این امر به‌ویژه در جنگ‌هایی که یک طرف آن از متحدین (متشکل از چند دولت) هستند، اهمیت بسزایی دارد که اسیران از دولت‌های مختلف با تابعیت‌های متفاوت

۱. فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ.

۲. البته تعبیر به «شددوا الوتاقاً» (با توجه به اینکه وفاق به معنای طناب یا هر چیزی است که با آن می‌بندند) اشاره به محکم کاری در بستن اسیران است؛ مبادا که اسیر از فرصت استفاده کند و خود را آزاد ساخته، ضربه کاری را وارد سازد. (ر.ک. جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۴۰۱-۳۹۸).

۳. «و آنگاه اسرا را با اخذ فدیة یا بدون آن آزاد سازید تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد».

دسته‌بندی شوند. افزون بر این، کنوانسیون فرض را بر اسارت جداگانه افسران گذاشته است؛ یعنی افسران و فرماندهانی که به اسارت در می‌آیند، جدا از سربازان عادی نگهداری شوند. این رویه در جریان جنگ جهانی دوم پذیرفته شده بود (فلک، همان، ص ۴۴۶).

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز اعمال تبعیض مثبت در موارد خاصی پذیرفته شده است. اسلام با اینکه ملاحظات انسان‌دوستانه را نسبت به تمامی اسرا رعایت می‌کند، اما در دادن حقوق بیشتر یا کمتر به اسرا، موقعیت و منزلت اجتماعی آن‌ها را نیز در نظر می‌گیرد. برای مثال، نقل شده است، زمانی که دختر مقوقس^۱ اسیر شد، رسول‌الله فرمود: «دختران سلاطین استحقاق توجهی خاص جدا از دیگران را دارند. نسبت به هر انسانی که روزی والامقام بوده و اکنون آن منزلت را از دست داده است رحیم باشید» (محقق داماد، همان، ص ۱۵۲). اسلام، اعمال ملاحظت‌های متناسب با موقعیت اسیر را در حقیقت به مثابه رعایت حداقل ملاحظات انسانی در حق اسیر به حساب می‌آورد.

از حقوق دیگری که در اسلام تأکید شده و باید رعایت شود، حفظ وحدت خانوادگی اسیر است. در اسلام در مواقعی که زن و شوهری به اسارت درمی‌آیند، زن از شوهر جدا نمی‌شود و اولاد نیز از والدین جدا نمی‌ماند. همچنین فقها اتفاق نظر دارند که جدا کردن کودک کمتر از هفت سال از مادرش جایز نیست (همان، ص ۱۵۱).

۲.۳. به کار گماشتن اسرا

حضور تعداد زیادی اسیر جنگی برای مدت طولانی در اردوگاه‌ها ممکن است به تضعیف وضعیت جسمی و روحی آن‌ها بینجامد. لذا برای جلوگیری از فرتوت شدن و حفظ آن‌ها در وضعیت مناسب جسمی و روحی، به کار گماشتن آن‌ها در اردوگاه‌ها مفید خواهد بود. به این ترتیب، برابر کنوانسیون ژنو، قدرت بازداشت‌کننده می‌تواند از اسیران برای انجام برخی کارهای غیرنظامی استفاده کند^۲. البته حق قدرت بازداشت‌کننده در استفاده از اسرا برای کار کردن نامحدود نیست. اول اینکه تعهد به کار کردن تنها شامل اسیران جنگی است و دوم اینکه سن، جنس، درجه و توان جسمی، همگی باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین به کار گماشتن اسیران بیمار ممنوع است. به این ترتیب، استفاده از اسیران جنگی که بنیه ضعیفی

۱. مقوقس در تاریخ اسلام به‌عنوان یکی از حاکمان مصر و معاصر محمد (ص) معرفی شده است که اغلب با کوروش، پاتریارک اسکندریه، شناخته می‌شود. او مصر را به نمایندگی از طرف امپراتوری بیزانس اداره می‌کرد.

۲. کنوانسیون سوم ژنو، مواد ۴۹(۱) و ۵۰.

دارند، برای انجام کارهای فیزیکی سخت برخلاف کنوانسیون سوم ژنو است.^۱ در این خصوص، حمایت‌های خاصی از زنان نیز پیش‌بینی شده است. واضح است که استفاده از نیروی کار اسیران جنگی، هم به نفع خودشان و هم به نفع قدرت بازداشت‌کننده است؛^۲ به شرطی که مقررات کنوانسیون سوم مراعات شده، به بردگی مبدل نشود.^۳ البته کنوانسیون سوم ژنو، قدرت اسیرگیرنده را به تأمین شغل اسیران جنگی ملزم نمی‌کند (داعی، ۱۳۸۷، ص ۶۵). کنوانسیون سوم ژنو در خصوص افسران ارشد استثنایی دارد. برابر ماده ۴۹، افسران ارشد تنها می‌توانند کارهای نظارتی^۴ انجام دهند و از کارهای اجباری معافاند. کنوانسیون مصداق کارهای نظارتی را تعیین نکرده است، ولی همه بر این امر اتفاق نظر دارند که کارهایی را می‌توان به آن‌ها سپرد که مناسب شأن آن‌ها باشد. همچنین اسرای جنگی را نمی‌توان برخلاف اراده آن‌ها به کارهایی گمارد که غیربهداشتی یا خطرناک (مثل خنثی‌سازی مین) یا تحقیرآمیز باشد.^۵ ولی اگر خود آن‌ها داوطلب شوند، قدرت بازداشت‌کننده می‌تواند از آن‌ها در این زمینه استفاده کند.

این درحالی است که ۱۴۰۰ سال پیش در حقوق اسلام مقرر شده است که اگر اسیران به کار گرفته شوند، باید در مقابل پرداخت مزد و اجرت باشد، و مسلمانان حق ندارند که در این خصوص به کارگر اسیر خیانت کنند (الزحیلی، ۱۹۸۸، ص ۴۶۹).

پایان اسارت

در مبحث پایان اسارت و تعیین تکلیف برای اسیران جنگی، بین حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تفاوت‌های بیشتری نسبت به دیگر موضوعات مطرح‌شده وجود

۱. همان، ماده ۴۹

۲. هدف از استفاده از نیروی کار اسیران جنگی، حفظ سلامت و توانایی‌های جسمانی آنان است و نه منافع اقتصادی قدرت اسیرکننده. البته می‌توان گفت، حداقل در سطحی که هزینه نگهداری اسرا تأمین شود، برای دولت اسیرکننده منافع اقتصادی نیز مطرح است.

۳. ممنوعیت بردگی در کد لیبر (ماده ۲۳، ۴۲ و ۵۸) تصریح شده است. این ممنوعیت در مقررات لاهه و کنوانسیون ژنو و پروتکل اول الحاقی بیان نشده است، ولی با توجه به قواعد و مقررات مختلف حاکم بر کار اسیران جنگی، این ممنوعیت قابل استنباط است. البته ممنوعیت بردگی و تجارت برده در تمام اشکال آن در ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی ذکر و ضمانت اساسی شمرده شده است. در منشور نورنبرگ نیز این اقدام جنایت علیه بشریت قلمداد شد. در ماده ۶ و ماده ۷ (I) (C) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز جنایت علیه بشریت محسوب شده است.

۴. منظور از کارهای نظارتی «supervisory» کارهای غیریدی است.

۵. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۵۲.

دارد؛ البته از تشابهات این دو نیز نباید غافل شد که در این بخش به بیان آن‌ها می‌پردازیم. کنوانسیون سوم ژنو برای پایان اسارت دو حالت را پیش‌بینی کرده است: الف) فرار موفقیت‌آمیز^۱، که اگر صورت گیرد، دولت بازداشت‌کننده از تمامی تعهدات خود در خصوص اسارت میرا می‌شود. ب) آزادسازی اسیر از اسارت^۲، آزادسازی هم شامل بازگرداندن اسیران جنگی به شدت زخمی در جریان درگیری به میهنشان و هم شامل آزادسازی و بازگرداندن اسیران جنگی پس از پایان جنگ می‌شود.

باید گفت صرف آزادسازی موجب رها شدن قدرت بازداشت‌کننده از تعهداتش نمی‌شود، بلکه آزادسازی با بازگرداندن اسیران جنگی به میهنشان مرتبط است. همچنین با مرگ اسیر جنگی، اسارت خاتمه خواهد یافت^۳. از آنجا که یکی از اهداف به‌اسارت گرفتن جلوگیری از شرکت بیشتر نظامیان طرف مقابل در جنگ است، آزادسازی اسیر این خطر را به همراه دارد که اسرا پس از بهبودی و کسب آمادگی دوباره، در کنار نیروهای کشور خود در درگیری‌ها شرکت کنند. از همین رو، ماده ۱۱۷ کنوانسیون سوم ژنو، به خدمت گماشتن افراد بازگشته را در امور نظامی فعال ممنوع می‌کند. باوجوداین، اسیران جنگی را نمی‌توان برای شرکت دوباره آن‌ها در درگیری‌ها به ارتکاب جنایات جنگی متهم کرد. از نظر زمانی، اسیران جنگی باید پس از پایان مخاصمات فعال بدون تأخیر آزاد شوند و به میهن خود بازگردند. برابر ماده ۱۱۸ کنوانسیون یادشده، قدرت بازداشت‌کننده اختیار تعیین محدوده زمانی برای آزادسازی اسرا را ندارد. عبارت بدون تأخیر، نشان‌دهنده این است که به محض پایان یافتن درگیری‌های فعال، باید اسرا آزاد شوند و این امر به مذاکرات صلح یا موافقت‌نامه رسمی آتش‌بس وابسته نیست. بر اساس حقوق بین‌الملل، تعهد بر آزادسازی به رفتار متقابل دولت وابسته نیست؛ باوجوداین، رویه دولت‌ها حاکی از آن است که طرفین جنگ آزاد کردن اسرا را بر عمل متقابل مبتنی می‌دانند (فلک، همان، ص ۴۸۵).

در حقوق بشردوستانه اسلامی اعتقاد بر این است که امام یا فرمانده ارتش در خصوص اسرا می‌تواند چند اقدام انجام دهد که از میان آن‌ها، آزادسازی اسرا بر اساس عطفوت^۴ مورد توجه امام و در اولویت قرار گرفته است (محقق داماد، همان، ص ۱۳۴). در واقع، اسلام شیوه قتل اسرا و برده‌سازی را که در دوران جاهلیت رواج داشت، متوقف کرد (عدنان، ۲۰۱۰، ص ۱۸۸). قرآن کریم در سوره محمد (ص) آزادی اسرا بر اساس عطفوت (حتی بدون گرفتن

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۹۱.

۲. کنوانسیون سوم ژنو، مواد ۱۰۹ تا ۱۱۹.

۳. البته در کنوانسیون سوم ژنو، فوت اسیر به‌عنوان یکی از موارد پایان اسارت بیان نشده است.

فدیه) و پس از پایان جنگ را سفارش کرده است.^۱ از جنگ بدر تا زمان فوت پیامبر (ص)، هرازگاهی آزادی اسرا بلاعوض اتفاق می‌افتاد؛ از جمله اینکه هنگام حلول ماه مبارک رمضان، پیامبر دستور آزادی همه اسرا را صادر می‌فرمود. بعضی افراد نیز به دلیل داشتن برخی صفات و کمالات عالی آزاد می‌شدند (عاملی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۹). آزادی از روی عطف و انسانی می‌تواند مشروط یا غیرمشروط باشد. در حالت اول، اسیر جنگی باید در قبال آزادی از شرایط معینی پیروی کند. رسول خدا (ص) در جنگ بدر، شاعری به نام ابوعزه را آزاد ساخت، مشروط بر اینکه پس از آزادی به گروه‌هایی که با اسلام و پیامبر (ص) می‌جنگند، ملحق نشود، ولی ابوعزه پیمان شکنی کرد و از قضا در احد اسیر شد و رسول خدا (ص) در برابر التماس او فرمود: «مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود؛ اگر تو را آزاد کنم خواهی گفت که دو بار محمد را فریب دادم» (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۵۲۱).

در مواردی هم که طبق دستور امام یا فرمانده، اسرا بین افراد سپاه به‌عنوان غنیمت تقسیم می‌شدند، دستور مجدد فرمانده مبنی بر آزادی این اسیران، به رضایت هریک از کسانی که برده را به‌عنوان سهم خود به غنیمت گرفته بود، بستگی داشت. برای مثال در خصوص اسرای هوازن، پیامبر اجازه داد به تمام کسانی که مایل‌اند از بردگانی که به غنیمت گرفته بودند، صرف نظر کرده، آنها را آزاد سازند، از بیت‌المال غرامت داده شود (حمیدالله، همان، ص ۲۵۲). در خصوص بردگی گرفتن در دوران پیامبر و فلسفه این امر در ادامه بحث خواهد شد.

باید یادآور شد، حالت دیگری که کنوانسیون سوم ژنو برای پایان اسارت پیش‌بینی کرده،

۱. محمد/۴؛ آیه حکم اسیران جنگی را بیان می‌کند که پس از پایان جنگ باید درباره آن‌ها اجرا شود. قرآن کریم می‌فرماید: «یا بر آنها منت بگذارید و بدون عوض آزادشان کنید و یا از آنها فدیة و عوض بگیرید و آزاد نمایید» به این ترتیب، اسیر جنگی را نمی‌توان پس از پایان جنگ به‌قتل رساند، بلکه رهبر مسلمین طبق مصالحی که در نظر می‌گیرد، آن‌ها را گاه بدون عوض و گاه با عوض آزاد می‌سازد و این عوض در حقیقت یک نوع غرامت جنگی است که دشمن باید بپردازد. البته حکم سومی در این باره در اسلام وجود دارد که اسیران را به صورت بردگان درآورند، ولی آن یک دستور الزامی نیست، بلکه در صورتی است که رهبر مسلمین در شرایط خاصی آن را لازم ببیند و شاید به همین دلیل در متن آیه قرآن به‌صراحت نیامده و تنها در روایات اسلامی بیان شده است. یکی از فقهای شیعه به نام فاضل مقداد در کتاب کنزالعرفان می‌نویسد: «آنچه از مکتب اهل بیت نقل شده، این است که اگر اسیر بعد از پایان جنگ گرفته شود، امام مسلمین مخیر به سه اقدام است: آزاد ساختن بی‌قید و شرط - آزاد کردن و گرفتن فدیة و برده ساختن آن‌ها و در هر صورت قتل آنها جایز نیست» (ج ۱، ص ۳۶۵). سپس در ادامه آیه می‌افزاید: «این وضع باید همچنان ادامه یابد و دشمنان را درهم کوبیده و گروهی را به اسارت درآورد تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد». تنها وقتی دست بکشید که دشمن درهم شکسته و آتش جنگ خاموش شود. (ر.ک. جمعی از نویسندگان، زیرنظر آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۴۰۱-۲۹۸)

فرار است. در طول اسارت، اسیران جنگی ممکن است موفق به فرار شوند. برابر این کنوانسیون، فرار اسیران جنگی زمانی موفقیت‌آمیز تلقی می‌شود که ۱. وی به نیروهای مسلح یا متحد پیوسته باشد. ۲. وی به سرزمین بی‌طرف وارد شده یا به‌گونه‌ای دیگر سرزمینی را که تحت کنترل دشمن است، ترک کرده باشد. ۳. به یک کشتی در آب‌های داخلی پیوسته باشد که تحت کنترل قدرت بازداشت‌کننده نیست.^۱ آن دسته از اسیران جنگی که موفق به فرار می‌شوند اگر دوباره به اسارت درآیند، به علت فرارشان مجازات نخواهند شد^۲، ولی تنها در خصوص اعمال خود ممکن است مجازات شوند. برای مثال، اگر اسیر جنگی هنگام فرار مرتکب جرائمی منحصراً برای تسهیل فرار خود شود که متضمن هیچ‌گونه اعمال خشونت علیه اشخاص نباشد، از قبیل استفاده از سند جعلی یا پوشیدن لباس غیرنظامی، فقط مشمول مجازات‌های انضباطی خواهد شد. به‌عنوان آخرین راه‌حل نیز قدرت بازداشت‌کننده حق دارد از سلاح علیه اسیران جنگی استفاده کند^۳؛ البته تنها در صورتی می‌توان از سلاح استفاده کرد که نگرهبانان در معرض خطر جدی باشند. اگر اسیر پس از فرار، خود را تسلیم کند، نمی‌توان به سوی او تیراندازی کرد، زیرا انگیزه از به‌کار بردن سلاح که همان جلوگیری از فرار می‌باشد، از بین رفته است.

در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز چنانچه اسیری فرار کند و به وطن خود بازگردد، آزاد قلمداد می‌شود؛ مگر اینکه عهد و پیمانی درباره فرار نکردن بسته باشد که در این صورت باید به آن پایبند باشد، زیرا خداوند خائنین را دوست ندارد. از سوی دیگر اگر مسلمانی به دست دشمن اسیر شود، متعهد به تسلیم یا اطاعت از احکام دشمن نیست و اگر امکان فرار یا آسیب وارد کردن به اموال دشمن وجود داشت، می‌تواند این کار را انجام دهد. ولی هرگاه مسلمانی عهد می‌کرد و قول می‌داد که فرار نکند، باید به قول خویش وفادار می‌ماند (خدوری و حیدرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹).

مقررات عهدنامه سوم و به‌طور کلی قواعد حقوق جنگ در باب مبادله اسرا ساکت است. لیکن رویه عملی کشورها در طی اعصار نشان‌دهنده این است که مبادله اسیران مخصوصاً بیماران و مجروحان شدید، بسیار معمول بوده است. این امر ممکن است ناشی از توافق و تراضی کتبی و مستقیم طرفین جنگ به صورت موافقت‌نامه خاص یا پیمان موقت ترک مخاصمه برای مبادله اسیران باشد و یا ناشی از مساعی جمیله^۴ قدرت حامی. کمیته

۱. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۹۶ (۱).

۲. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۹۶ (۲).

۳. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۴۲.

۴. مساعی جمیله یا همان کوشش‌های نیکو، روشی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی است که

بین‌المللی صلیب سرخ نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند. در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز حکومت اسلامی وظیفه دارد زمینه آزادی اسرای مسلمان را با دادن پول از بیت‌المال فراهم کند. قرآن کریم نیز به‌صراحت مقرر داشته است که سهمی از درآمد دولت باید به آزادی اسرا تخصیص داده شود.^۱ مطابق احکام اسلامی، برای مبادله اسرا لازم نیست حتماً تعداد اسرای دو طرف برابر باشد. برای مثال پیامبر (ص)، عقیلی را که اسلام آورده بود، آزاد کرد و آزادی او را فدیة^۲ دو مسلمان دیگر قرار داد (محقق داماد، همان، ص ۱۳۶). ابوبکر، خلیفه اول، مخالف گرفتن فدیة بود و تأکید داشت هر مسلمانی که در دست غیرمسلمان اسیر است باید از طریق بیت‌المال آزاد شود (خدوری و حیدرآبادی، همان، ص ۱۶۷). همچنین فینالی، مورخ غربی، نقل کرده است: مبادله منظم اسرا با مسلمانان از اوایل عهد کنستانتین پنجم به سال ۷۶۹م/۱۴۷ق (معاصر منصور عباسی) آغاز شده است. در سال ۷۹۷م/۱۷۵ق (معاصر هارون الرشید) شرطی جدید در معاهده‌ای که برای مبادله اسرا تنظیم شده بود، گنجانده شد که طرفین را ملزم می‌کرد تمام اسرای اضافی را در برابر پرداخت مبلغ ثابتی برای هر نفر آزاد کنند (حمیدالله، همان، ص ۲۴۲ به نقل از، (Finaly, History of Byzantine Empire, vol.1, p.106).

یکی دیگر از تصمیماتی که امام در خصوص اسرا می‌تواند بگیرد، اعدام اسیران است. بررسی مواردی که از زمان رسول خدا (ص) وجود دارد، حاکی از این است که مجازات مرگ درباره اسیر (به ما هو اسیر) اعمال نمی‌شد؛ مگر در خصوص جرائمی که اسیر پیش از اسارت و خارج از محدوده جنگ مرتکب شده بود و ارتباطی با اسارت نداشت (محقق داماد، همان، ص ۱۳۷). این موضوع در ماده ۸۵ کنوانسیون سوم ژنو نیز منظور شده است که مقرر می‌دارد:

به‌موجب آن، طرف سومی با رضایت دولت‌های دارای اختلاف به صورت وساطت دوستانه تلاش می‌نماید مذاکره میان دولت‌های مربوط را امکان‌پذیر سازد؛ بدون اینکه لزوماً پیشنهاد‌های اساسی برای حل اختلاف به آن‌ها ارائه نماید.

۱. توبه/ ۶۰؛ این آیه مصارف زکات را مشخص می‌کند. از نخستین کارهایی که پیامبر اکرم (ص) در مدینه انجام دادند، تشکیل بیت‌المال بود که یکی از منابع آن را زکات تشکیل می‌داد. یکی از موارد پرداخت زکات برای آزاد ساختن بردگان است؛ یعنی سهمی از زکات به مبارزه با بردگی و پایان دادن به این موضوع ضد انسانی تخصیص داده می‌شود و اصولاً برنامه اسلام در خصوص بردگان، برنامه «آزادی تدریجی» است که نتیجه نهایی آن، آزادسازی همه بردگان بدون روبرو شدن با واکنش‌های نامطلوب اجتماعی آن است و تخصیص سهمی از زکات به این موضوع، گوشه‌ای از این برنامه را تشکیل می‌دهد (ر.ک. جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۵-۳).

۲. فدیة انواع گوناگونی دارد؛ از جمله پول، مال، جنگ‌افزار، آموزش و غیره. اگر فدیة، آزادی اسرای جنگی مسلمان که در دست دشمن قرار دارد باشد، به این حالت مبادله اسرا گویند.

«اسرای جنگی که مطابق قوانین دولت، اسیر شوند، به دلیل جرائمی که قبل از اسارت مرتکب شده‌اند، تحت پیگرد قرار می‌گیرند و حتی در صورت محکومیت از مزایای معین در این کنوانسیون بهره‌مند خواهند شد»؛ از جمله ضمانت اجرای کیفری و انضباطی تابع قواعد زیر است:

- هیچ اسیری را نمی‌توان برای یک عمل، بیش از یک‌بار مجازات تنبیهی یا انضباطی کرد.
 - اسیران جنگی را نمی‌توان به مجازات محکوم کرد؛ مگر نسبت به اعمالی که اگر آن اعمال از سوی نیروهای مسلح قدرت بازداشت‌کننده انجام شود، همان مجازات اعمال خواهد شد.
 - باید به اسیران فرصت دفاع از خود داده شود.
 - مجازات‌های جمعی در قبال اعمال فردی و همچنین مجازات‌های وحشیانه ممنوع است.
 - تحت هیچ شرایطی نمی‌توان اسیر جنگی را در دادگاهی محاکمه کرد که استقلال و بی‌طرفی وی را تضمین نمی‌کند. ارگان‌های قدرت بازداشت‌کننده می‌توانند در قبال برخی بی‌نظمی‌های اسرا، مجازات‌های انضباطی هم علیه آن‌ها اعمال کنند.
- بنابراین اگر اسیر جنگی پیش از اسارت مرتکب جرمی نشده باشد، امام دستور به اعدام او نمی‌دهد. باید گفت جنگ تا زمانی که طبق ضوابط و مقررات مخصوص به خود پیش رود، به هیچ‌وجه جرم شمرده نمی‌شود و رزمنده‌ای که در میدان نبرد است عمل مجرمانه‌ای را انجام نمی‌دهد؛ بنابراین اسیر کردن وی یک مجازات نیست، بلکه صرفاً به این علت است که امکان ادامه نبرد از او سلب شود.
- قرآن کریم می‌فرماید: «فقط آنانی را که با تو مقاتله می‌کنند به قتل برسان»^۱. بنابراین، کیفر قتل را نمی‌توان به‌عنوان مجازات بر اسیر جنگی اعمال کرد، چون شخص اسیرشده در حال مقاتله نیست. ولی می‌توان این مجازات را بر اسیری اعمال کرد که مرتکب جرمی شده است که چنین مجازاتی دارد؛ زیرا در این حالت، مجرم در اختیار دولت اسلامی که صلاحیت قانونی نسبت به تعقیب مجرم را دارد، قرار گرفته است. نقل‌هایی از پیامبر (ص) وجود دارد که اعدام ابوالبختری بن هشام را منع کرد، زیرا وی بسیار آرام و غیرمهاجم بود، ولی عقبه بن ابومعط را به دلیل عمل تجاوزگرانه او علیه شخص پیامبر (ص) اعدام نمود. همچنین النضر بن حارث اعدام شد، چون از شرورترین و سرسخت‌ترین بت‌پرستان بود (همان، ص ۱۳۹).

بنابراین همان‌طور که اشاره شد، در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز همانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، اعدام اسیران خودسرانه نبوده، بلکه تابع جرم و جنایاتی است که آن‌ها هنگام نبرد یا پیش از آن مرتکب شده‌اند.

یکی دیگر از مواردی که نسبت به اسرای جنگی در اعصار گذشته صورت می‌گرفت و در دوران حکومت اسلامی نیز کم‌وبیش وجود داشت، به‌بردگی گرفتن آن‌ها بود. در حقوق بین‌الملل معاصر، بردگی منسوخ و منع شده است و حتی کنوانسیون‌هایی نیز در خصوص منع تجارت بردگی وجود دارد.^۱ در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز با توجه به نص صریح قرآن که ملائک و فرشتگان در مقابل حضرت آدم به سجده افتادند و مطابق با اصول مسلم اسلامی که انسان‌ها را آزاد و برابر می‌داند، توجیه بردگی انسان بسیار مشکل است. باوجوداین، اسلام از آغاز، بردگی را ملغاً ناساخت و اجازه داد که هرچند به صورت محدود، انسان‌هایی مالک انسان‌های دیگر شوند. در زمان ظهور اسلام، نظام بردگی در سراسر جهان به صورت گسترده و همگانی رایج بود. ثروتمندان از نیروی فکری و جسمی بردگان استفاده می‌کردند و بخش عمده فعالیت‌های اجتماعی به‌وسیله بردگان صورت می‌گرفت. شاید یکی از دلایل پذیرش بردگی در آغاز امر این بوده که شارع مقدس اسلام نخواست است با الغای فوری این اصل، بر نابسامانی‌های اجتماعی دامن بزند، بلکه با برنامه‌ریزی تدریجی و واقع‌بینانه، زمینه‌های برچیده شدن آن را فراهم آورده و به این هدف نایل شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰). یکی دیگر از علل عنوان شدن طرح آزادی تدریجی بردگان و عدم الغای اصل بردگی به صورت عمومی و دفعی آن در اسلام، این بود که چون نظام برده‌داری در سراسر جهان شایع و مرسوم بود، آزادی بردگان موجود در یک جامعه و به صورت عمومی می‌توانست خطر بزرگی برای آن جامعه و حتی خود بردگان به‌دنبال داشته باشد و نتیجه فوری آزادی بردگان با توجه به اینکه گاهی بخش عظیمی از جامعه را بردگان تشکیل می‌دادند، عبارت بود از: وجود یک جمعیت بزرگ بیکار و بی‌خانمان در جامعه. بنابراین اگر آزادسازی بردگان به‌طور گسترده و هم‌زمان انجام می‌شد، مشکلات بزرگی دربر داشت. پس بهترین راه برای آزادسازی بردگان، همان بود که آنان با یک برنامه دقیق و حساب‌شده به تدریج آزاد و جذب جامعه شوند؛ تا هم برای آنان و هم برای جامعه خطری به‌وجود نیاید (همان، ص ۱۵۹).

در قرآن کریم نیز آیه‌ای وجود ندارد که به‌صراحت بردگی گرفتن را مجاز شناخته باشد. هرچند در آیه ۵۰ سوره احزاب به‌طور غیرمستقیم به برده گرفتن اشارتی می‌کند: «ای پیامبر ما زانی که مهرشان را داده‌ای و آنان را که به‌عنوان غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته

۱. مانند کنوانسیون منع تجارت برده و بردگی ۱۹۲۶م و کنوانسیون تکمیلی لغو بردگی، تجارت برده و نهادها و عملکردهای مشابه بردگی ۱۹۵۶م.

مالک شده‌ای حلال کردیم...». با وجود این در سنت پیامبر نمونه‌های اندکی وجود دارد که پیامبر (ص) دستور به بردگی گرفتن داده باشد؛ از جمله اینکه زنان و کودکان بنی قریظه به موجب تصمیم داوری که خودشان انتخاب کرده بودند، برده شده، به عنوان غنیمت تقسیم گردیدند. همچنین اسرای قبیله عرب هوازان در سال هشتم هجری میان سپاه اسلام تقسیم شدند. اما بعدها که هوازنی‌ها اسلام آوردند، به دلیل اسلام آوردنشان، آزاد شدند (حمیدالله، همان، ص ۲۵۰).

شرایط رفتار مسلمانان با بردگان نسبت به رفتار دشمن با بردگان قابل قیاس نبوده است. هر جا اسلام اجازه بردگی می‌داد، آن را با موازین اسلامی محدود می‌ساخت و مقام و منزلت بردگان را در حد اربابان بالا می‌برد؛ به طوری که بردگان حق طرح دعوی در محاکم را هم داشتند. در نتیجه، بردگی در اسلام امری عاریتی بود که بالطبع با ازبین رفتن علل به وجود آورنده‌اش ازبین می‌رفت. بنابراین، برده ساختن اسرای جنگی اعم از مذکر و مؤنث به هیچ وجه الزامی نبود. از سوی دیگر آزادسازی برده بر اساس عطفوت یا در برابر فدیة نیز از راه‌های دیگری بوده که احتمالاً به دلیل مرجح بودنشان در قرآن توصیه شده است.^۱ در ضمن با اینکه با توجه به شرایط زمان و اقتصاد آن دوره، بردگی گرفتن مرسوم و مشروع بوده، اسلام به شیوه‌های مختلف برای رفع آن کوشیده است. مثلاً برای مجازات و کفارة بعضی گناهان یا کفارة روزه خواری عمدی و یا موارد تخلف در حج، آزادی بردگان را دستور داده است. از سوی دیگر، شرایط رفتار با اسرا و بردگان به گونه‌ای بوده است که آن‌ها در اختیار مجاهدان مسلمان قرار می‌گرفتند و به این دلیل زیر نظر آن مجاهد تربیت می‌شدند، اسلام می‌آوردند و آزاد می‌گشتند.

همان طور که بررسی شد، در خصوص پایان اسارت در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو راهکارهایی ارائه شده که دارای تشابهات و تفاوت‌هایی است. چیزی که بیشتر به چشم می‌آید این است که قواعد یادشده در کنوانسیون سوم ژنو، با همان کیفیت و بلکه کامل‌تر در حقوق بشردوستانه اسلامی و سیره پیامبر (ص) نیز وجود داشته است.

نتیجه

جامعه انسانی همواره در این آرزو بوده است که نزاع و دشمنی در بین ملت‌ها ازبین برود و صلح، دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز جایگزین آن شود. اما چون در طول تاریخ، این امر در

حد یک آرزو و آرمان باقی مانده و جنگ و خشونت به عنوان یک واقعیت تاریخی همواره وجود داشته است، بنابراین، چاره‌ای جز تنظیم قواعد و مقررات حقوقی برای به‌نظم درآوردن و محدود کردن درد و رنج ناشی از این پدیده شوم وجود ندارد. از جمله مسائلی که طی یک جنگ روی می‌دهد، به اسارت گرفتن نیروهای طرف مقابل است. مقوله رفتار با اسرای جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها، دارای قواعد و مقرراتی است که به رعایت حال این افراد و جلوگیری از پایمال شدن حقوق آن‌ها می‌پردازد. از زمان آغاز اسارت و اینکه با چه اهدافی یک طرف اقدام به گرفتن اسیر می‌کند، در هر دو دسته، حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، قواعدی موجود است.

نکته اساسی که در مقایسه وضعیت حقوقی اسیران جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید مد نظر قرار گیرد، آن است که بررسی واقعی مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه، باید در چارچوب تاریخی آن توجه و ارزیابی شود. در اصل برای هر گونه مقایسه میان این دو نظام، باید عامل مکان و زمان در نظر گرفته شود. اسلام در قرن هفتم میلادی پا به عرصه وجود نهاد، در حالی که مفهوم حقوق بشردوستانه بین‌المللی تا نیمه دوم قرن بیستم هم هنوز متبلور نشده بود. از این رو، سیزده قرن فاصله میان تولد این دو مفهوم وجود دارد و اگر این فاصله زمانی را با وضعیت جهان و جامعه آن روز مقایسه کنیم، قطعاً به این نتیجه می‌رسیم که حقوق اسلام بسی مترقیانه‌تر از حقوق بین‌الملل امروز گام برداشته است. ظهور اسلام در دورانی محقق شد که جنگ، استثمار، بردگی و جهل در جامعه جهانی شیوع داشت، قدرت حرف اول را می‌زد و جامعه آن روز فاقد ساختار اجتماعی و اقتصادی امروز بود.

در مجموع از بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹م و پروتکل‌های ۱۹۷۷م الحاقی به آن‌ها در می‌یابیم که از نظر تاریخی، قدمت این اقدامات و توصیه‌های ائمه معصومین به قرن‌ها پیش بر می‌گردد که همراه با ضمانت اجراهای مؤثر از سوی خود پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نظارت می‌شد. در نتیجه، فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود که این دو دسته حقوق دارای همسویی بالایی هستند. جا دارد به سخن جین پیتکت (Jean Pictet)، حقوق‌دان سوئیسی، که در تهیه کنوانسیون‌های ژنو تلاش فراوان کرده است اشاره کنیم که می‌گوید: خواستم تمام قواعد انسان‌دوستانه بین‌المللی را در قالب جمله‌ای جامع و فراگیر تبیین کنم. در نهایت آنچه توانستم ارائه دهم این اصل است که «با دیگران آن‌چنان رفتار کن که مایلی با تو آن‌چنان کنند» (محقق داماد، همان، ص ۱۵۴). نکته قابل توجه و جالب این است که این سخن عیناً در کلمات پیامبر (ص) آمده است. نقل شده

است که عرب بادیه‌نشینان نزد پیامبر آمد، رکاب شتر پیامبر (ص) را گرفت و گفت: ای رسول خدا، چیزی به من یاد بده که به وسیله آن وارد بهشت شوم. پیامبر فرمود: «آنچه را که دوست داری دیگران نسبت به تو روا دارند، تو نیز همان را نسبت به آنان روا دار. و آنچه را که ناپسند می‌داری دیگران نسبت به تو انجام دهند، تو نیز آن را در حق آنان انجام نده» (کلینی، بی‌تا، ص ۱۴۶). در واقع می‌توان گفت، رعایت قواعد و مقررات انسان‌دوستانه بین‌المللی در اسلام، جزئی از دین است و از ارکان بنیادین ایمان قلمداد می‌شود. بنابراین می‌توان قدم فراتر نهاد و گفت که آن دسته از مقررات امروزی که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی آن و مقررات لاهه و سایر قوانین حقوق بین‌الملل وجود دارد، بیشترشان ریشه در همان دستورات و تعالیم ادیان الهی به‌ویژه اسلام دارد که البته با شکل و سیاق نوین تدوین یافته‌اند؛ مگر مواردی جدید که چون در صدر اسلام نبوده، قواعدی هم برای آن وضع نشده است که آن هم با توجه به اصول و قواعد کلی موجود در اسلام می‌توان در خصوص مسائل جدید از سوی مراجع عالی‌قدر اجتهاد شود. در نتیجه، فرضیه دوم ما نیز تأیید می‌شود که قواعد و مقررات حمایتی معاصر در خصوص اسرای جنگی اصولاً ریشه در دستورات و تعالیم اسلام دارد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، محمد (۱۳۹۱)، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، تهران: سمت.
۳. اسدی، علی‌محمد (۱۳۶۳)، احکام جبهه، چاپ دوم، قم: مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی و سیاسی.
۴. امانی‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، بررسی وضعیت اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراق، تهران: سروش.
۵. برزنونی، محمدعلی (۱۳۷۹)، «آثار حقوقی اعلان جنگ در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله حقوقی، شماره بیست و پنجم، ص ۲۷۵-۳۱۲.
۶. بو آزار (۱۳۶۹)، اسلام در جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، سیره رسول خدا صلی‌الله‌واله‌وسلم (تاریخ سیاسی اسلام)، قم: دلیل‌ما.

۸. جمعی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، جلد های ۸ و ۲۱، تهران: دارالمکتب اسلامیه.
۹. حبیب‌نژاد، سید احمد (۱۳۹۲)، حقوق اسیران جنگی در پرتو آموزه‌های اسلامی با تطبیق بر کنوانسیون سوم ژنو، مجموعه مقالات اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مرکز مطالعات تطبیقی اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران: میزان.
۱۰. حجازی، محمدعلی (۱۳۸۷)، حقوق اسیران جنگی، تهران: میزان.
۱۱. حمیداله، محمد (۱۳۸۰)، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۲. خدوری، مجید (۱۳۸۷)، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی و مقدمه سید هادی خسروشاهی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۳. رنجبریان، امیرحسین (۹۳-۱۳۹۲)، تقریرات درس حقوق جنگ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۴. روسو، شارل (۱۳۶۹)، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی.
۱۵. داعی، علی (۱۳۸۷)، حقوق اسیران جنگی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: پیام آزادگان.
۱۶. سیاه‌رستمی، هاجر و همکاران (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال احمر.
۱۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۶)، «حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی»، مجله حقوقی، شماره هشتم، ص ۱۵۷-۱۸۲.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰)، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، جلد ۳۱، تهران: محمد.
۱۹. عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل اسلام، تهران: نشر دادگستر.
۲۰. فلک، دیتتر (۱۳۸۷)، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، گروهی از مترجمان، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: شهردانش.
۲۱. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳)، حقوق بشردوستانه اسلامی، رهیافت اسلامی، تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۲. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: میزان.

۲۳. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
۲۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
۲۵. ابن هشام (بی تا)، سیره رسول الله، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۶. احمدی میانجی (۱۴۱۱)، الاسیر فی الاسلام، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۷. ذهبی، احمد بن عثمان (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام، مغازی، چاپ اول، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۸. عاملی، حر (۱۴۰۳)، وسایل الشیعه، چاپ پنجم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۹. عدنان، السید حسین (۲۰۱۰م)، العلاقات الدولیه فی الاسلام، بیروت، مجد، چاپ دوم.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. وهبه الزحیلی (۱۹۸۸م)، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر.

ب) انگلیسی

32. Ameer Ali, (2004), A Short History of the Saracens, the University of California, Kegan Publishing
33. Hingorani R.C, (1982), Prisoners of war, New Delhi, Oxford & IBH Publishing Co
34. Kyoichi Tachikawa, (2008), The Treatment of Prisoners of War by the Imperial Japanese Army and Navy Focusing on the Pacific War, NIDS Security Reports, no. 9, pp. 45- 90